

"دنیا" در قاب "خانه": تحلیلی شناختی در زبان نهج البلاغه بر اساس نظریه استعاره شناختی

آفرین زارع^۱

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۴/۲۱ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۵/۱۲)

چکیده

از آنجا که شناخت و درک جامع دنیا برای انسان‌ها حیاتی است و در بقاء و پیشرفت فردی و اجتماعی ایشان نقش بسزایی دارد، معرفی آن به صورت ملموس و قابل فهم برای بشر همواره از اولویتهای متون مقدس اسلامی بوده است. بهترین شیوه برای انجام این مهم، استفاده از حوزه‌های عینی یا حداقل کمتر انتزاعی است؛ این همان است که امروزه به عنوان نظریه استعاره شناختی شناخته می‌شود (درک یک حوزه از طریق حوزه دیگر). نهج البلاغه به عنوان یک فرهنگ‌نامه جامع انسانی برای تمام بشریت، دنیا را به طور دقیق و با استفاده از حوزه‌های مبدا متعدد مفهوم‌سازی کرده است. از جمله این حوزه‌ها، "خانه" است. پژوهش حاضر با روش توصیفی، تحلیلی و تحلیل محتوای کیفی با رویکرد معنی‌شناسی شناختی به بررسی فرافکنی حوزه مبدا "خانه" بر حوزه مقصد "دنیا" می‌پردازد تا ببیند در این فرافکنی چه ویژگی‌ها و عناصری از مبدا بر مقصد انطباق یافته و این استعاره شناختی در درک انسان از "دنیا" چه نقشی دارد. از مهم‌ترین نتایج پژوهش آن است که در بررسی این فرافکنی، ویژگی‌های خاصی مانند پیچیده شدن با بلا، شهره‌بودن به خیانت، مشقت، دگرگونی احوال و ... از "خانه" به عنوان حوزه مبدا به طور مؤثر بر حوزه مقصد (دنیا) نگاشت شده که در تجربیات ما کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد.

کلید واژه‌ها: دنیا، خانه، استعاره شناختی، نگاشت، نهج البلاغه.

۱. دانشیار بخش زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران؛

dr.afarin.zare@gmail.com

۱. بیان مسأله

مطالعات معنی‌شناسی شناختی نقش عمده‌ای برای استعاره شناختی قائل است و جایگاه آن را نه در زبان، بلکه در شیوه‌ای می‌داند که ما یک حوزه ذهنی را از طریق حوزه ذهنی دیگر مفهوم‌سازی می‌کنیم که در زبان نمود می‌یابد (Lakoff/ 1 & Kövecses/ 4). نظر به اینکه متون دینی از جمله نهج‌البلاغه به دنبال متحول کردن اندیشه بشر و در پی آن اصلاح رفتار و گفتار او است تا زندگی سالم همراه با آرامش دنیوی و رستگاری اخروی را به وی هدیه دهد، فضاهای استعاری مناسب را می‌آفریند و حقایق انتزاعی را از طریق استعاره شناختی تبیین می‌کند. یکی از حقایق مجردی که امیرالمؤمنین(ع) در نهج‌البلاغه توجه ویژه‌ای به مفهوم‌سازی آن داشته‌اند مفهوم "دنیا" است. از جمله روابط مکانی‌ای که امیرالمؤمنین(ع) از آن برای صورت‌بندی دنیا استفاده کرده‌اند "خانه" است. "خانه" که زیر مجموعه "ساختمان" از حوزه‌های مبدا رایج و پربسامد در استعاره‌های شناختی در دنیا می‌باشد (Kövecses/۱۹)، در زندگی انسان، رشد، تکامل و موفقیت او نقش حیاتی دارد. در زبان نهج‌البلاغه، با استفاده از استعاره شناختی دنیا خانه است، عناصر و ویژگی‌هایی از حوزه "خانه" بر حوزه "دنیا" فرافکنی شده است. پژوهش حاضر بر آن است تا با روش توصیفی-تحلیلی و تحلیل محتوای کیفی با رویکرد معنی‌شناسی شناختی به بررسی فرافکنی حوزه مبدا "خانه" بر حوزه مقصد "دنیا" بپردازد تا ببیند در این فرافکنی کدام عناصر و ویژگی‌ها از حوزه مبدا در مفهوم‌سازی حوزه مقصد به خدمت گرفته شده‌اند و این استعاره شناختی در درک انسان از "دنیا" چه نقشی دارد.

۲. مقدمه

پیش از پرداختن به اصل مقاله، بیان نکات زیر ضروری است:

۱-۲. اهمیت و ضرورت پژوهش

درک ماهیت دنیا به عنوان فضایی که انسان در آن متولد می‌شود، زندگی می‌کند، با چالش‌ها، فرصت‌ها و وسوسه‌های گوناگونی روبرو و از طریق آنها آزموده می‌شود، با انتخاب‌های خود، مسیر خویش را به سوی کمال یا انحراف تعیین می‌کند و از آن به عالم دیگر منتقل می‌گردد، برای انسان حیاتی است. از سوی دیگر دنیا و پدیده‌های آن مظهر قدرت، رحمت و حکمت آفریدگاری هستند که کار بیهوده نمی‌کند. شناخت دنیا، به شناخت بهتر صفات الهی و عظمت آفرینش کمک می‌کند و در تقویت ایمان و تعمیق معنویت نیز نقش بسزایی دارد. از آنجا که انسان از کودکی اشیاء را براساس روابط مکانی آنها با اشیاء دیگر می‌فهمد و این مدل را برای فهم حوزه‌های دیگر و ساختار بخشیدن به آنها نیز به‌کار می‌برد، این روابط نقش مهمی در مفهوم‌سازی به خصوص مفهوم‌سازی حقایق مجرد دارند. خانه اولین و مهم‌ترین مکان سکونت و حریم خصوصی است که انسان با آن ارتباط برقرار می‌کند؛ در آن رشد می‌کند و بزرگ می‌شود، روز خود را در آن آغاز می‌کند و شب را در آن به صبح می‌رساند و هیچ مکانی برای انسان مانند "خانه" نیست. بنابراین، شناخت دنیا از طریق خانه برای هر انسانی ضروری است و تردیدی نیست که شناختی که از دریچه متون مقدس از جمله نهج البلاغه حاصل می‌شود، دقیق و کامل است.

۲-۲. پیشینه پژوهش

در پژوهش‌های گوناگون، نهج البلاغه براساس نظریه استعاره شناختی مورد بررسی قرار گرفته که نویسندگان در مقاله‌های قبلی خود (2022a, 2022b, 2023a, 2023b, 1403) به معرفی آنها پرداخته‌اند؛ در ادامه جدیدترین پژوهش‌ها معرفی می‌شود:

- جلیلی (۱۴۰۱). پژوهشگر ضمن اشاره به تفاوت استعاره مفهومی با استعاره سنتی، به تبیین انواع استعاره از نظر نقش پرداخته و بر آن شده تا با روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر نظریه استعاره مفهومی، مفهوم هوای نفس در نهج البلاغه را بشناسد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد امیرمؤمنان(ع) در مفهوم‌سازی هوای نفس از استعاره‌های وجودی و

ساختاری بهره برده و در این راستا مفاهیمی چون: رقابت، بی‌حرکی، سرکشی، مبارزه همیشگی مورد توجه قرار گرفته است.

- کدخدایی و همکاران (۱۴۰۲). با توجه به نقش مهم استعاره مفهومی در تبیین مفاهیم انتزاعی به ویژه در متون دینی، نویسندگان با هدف آگاهی از چگونگی قابل درک ساختن مبحث خدانشناسی برای مخاطب، با رویکرد کیفی و روش توصیفی - تحلیلی به جستجو در خطبه‌های نهج‌البلاغه پرداخته و دریافته‌اند امیرالمؤمنین (ع) به منظور ارائه تصویر روشنی از موضوع مورد نظر، غالباً استعاره‌های هستی‌شناختی را به کار برده و با جاندارپنداری، پروردگار را به مثابه انسان به تصویر کشیده، سپس صفات انسان‌گونه را از ساحت ربوبی نفی کرده است. از نتایج پژوهش همچنین برمی‌آید که امام علی (ع) در مواردی نیز از حوزه مفهومی دریا برای تبیین مفهوم خداوند استفاده کرده‌اند.

- علیمحمدی، علی‌نژاد و دهقانی (۱۴۰۲). از آنجا که در متون دینی مفاهیم انتزاعی فراوان و نظریه استعاره شناختی در تسهیل عینی‌سازی این مفاهیم از کارآمدی بالایی برخوردار است، پژوهشگران، آن دسته از مفاهیم انتزاعی را که در قرآن کریم و نهج‌البلاغه از طریق حوزه محسوس لباس و پوشش صورت‌بندی شده، استخراج و با روش توصیفی - تحلیلی و براساس نظریه استعاره شناختی لیکاف و جانسون تحلیل کرده‌اند. نتایج حکایت‌گر آن است که مفاهیم تقوا، گرسنگی، ترس، شب و ارتباط زناشویی در قرآن و میانه‌روی، عزت، جهاد، کرامت، عافیت، تغییر احکام صحیح اسلامی و تواضع، حوزه‌های مقصدی هستند که با استفاده از حوزه مبدا لباس عینی‌سازی شده‌اند.

- کدخدایی و همکاران (۱۴۰۲). نویسندگان به منظور آشنایی با اندیشه امام علی (ع) در خصوص عشق، با رویکرد کیفی و روش توصیفی - تحلیلی، عبارات استعاری دربردارنده این مفهوم را از نهج‌البلاغه استخراج و طبق نظریه استعاره مفهومی مورد تحلیل و بررسی قرار داده‌اند. قابل درک ساختن مفهوم انتزاعی عشق در قالب استعاره‌های ساختاری با استفاده از حوزه‌های مبدا حجاب، بیماری، کالا و شیء، استفاده از

استعاره‌های هستی‌شناختی و طرح‌واره‌های حجمی و حرکتی توسط امیرالمؤمنین (ع) از یافته‌های این پژوهش است.

- توکل‌نیا و میرحسینی (۱۴۰۲). نظر به اهمیت امامت و ولایت به عنوان مهم‌ترین مؤلفه هویتی شیعه، نویسندگان با استفاده از زبان‌شناسی شناختی و رویکرد لیکاف و جانسون به استعاره، مهم‌ترین استعاره‌های مفهومی ساختاری نهج البلاغه را در تبیین مفهوم امامت و جایگاه اهل‌بیت (ع) بررسی کرده‌اند. به‌کارگیری حوزه‌های مفهومی نور، سفر و حرکت، حیات و مرگ به عنوان پر بسلمدترین حوزه‌های مبدئی که مفاهیم آنها بر مفاهیم متناظر در حوزه مقصد نگاشت شده، از نتایج این پژوهش است.

مطالعه پژوهش‌های پیشین معرفی شده در این مقاله و مقالات قبل نشان می‌دهد تاکنون پژوهشی که کلیه مفهوم‌سازی‌های حوزه "دنیا" را بر اساس حوزه "خانه" براساس نظریه استعاره شناختی از زبان نهج البلاغه استخراج و تحلیل کرده باشد، انجام نشده است.

۲-۳. مبانی نظری

استعاره شناختی که محصول نگاشت ساختار یک مفهوم مبدا بر روی یک مفهوم مقصد است (Ungerer & Schmid/ 118)، ابزار ما برای درک مقوله‌هایی مانند احساسات، زمان، ایده‌ها و... می‌باشد که در تجربه‌مان تعریف روشنی از آنها وجود ندارد. این نوع استعاره نقش گسترده‌ای در شیوه عملکرد ما، شیوه مفهوم‌سازی ما از تجربیات مان و شیوه‌ای که صحبت می‌کنیم دارد (Lakoff, & Johnson, 2003/ 115).

گرادی (Grady) نگاشت را اساسی‌ترین مفهوم در نظریه استعاره شناختی (CMT) می‌داند و در توضیح آن می‌گوید: این اصطلاح که از ریاضیات وام گرفته شده، به تطابق‌های نظام‌مند استعاری میان ایده‌های نزدیک به هم اشاره دارد. او سپس برای روشن‌تر شدن موضوع، استعاره شناختی دولت کشتی است را تبیین می‌کند:

در این استعاره از حوزه ملموس کشتی به عنوان حوزه مبدأ برای تبیین مفهوم انتزاعی دولت

به عنوان حوزه مقصد استفاده شده و (ابتدا) مسیر کشتی بر پیشرفت دولت در طول تاریخ سپس عناصر دیگری از حوزه مفهومی کشتی بر عناصری از حوزه مفهومی دولت نگاشت/ فرافکنی می‌شود. حداقل تطابق‌های متداول بین حوزه‌ای در استعاره گفته شده عبارتند از: هدایت کشتی با تعیین سیاست‌ها/ اقدامات؛ حرکت رو به جلوی کشتی با موفقیت‌ها و پیشرفت‌ها؛ حوادث ناگوار دریانوردی با شکست‌ها و مشکلات؛ شرایط دریا با شرایط سیاسی/ اقتصادی تاثیرگذار بر دولت (۱۹۰). پی‌ریزی ساختمان استعاره شناختی به مایکل ردی (Michael J. Reddy) در مقاله‌ای با عنوان استعاره مجرا (The conduit metaphor) باز می‌گردد که جورج لیکاف و مارک جانسون آن را در سال ۱۹۸۰ با انتشار اثر مشترک خود به نام استعاره‌هایی که با آنها زندگی می‌کنیم (Metaphors we live by) کامل کردند. از نظر لیکاف و جانسون اساس ماهیت نظام مفهومی معمول ما که در چهارچوب آن می‌اندیشیم و عمل می‌کنیم، استعاره است. مفاهیم ما شکل‌دهنده ساختار چیزی هستند که درک می‌کنیم و تعیین‌کننده حرکت ما در جهان و رابطه ما با دیگران می‌باشند (Lakoff, & Johnson/ 1980/ 3).

اَوَنز و گرین (Evans & Green) نیز معتقدند اندیشه انسان، استعاره است؛ از دیدگاه آنان، استعاره تنها موضوع زبانی نیست، بلکه بازتاب تناظرهای ژرف در شیوه سازمان‌دهی نظام مفهومی انسان است، به همین دلیل انتظار می‌رود شواهدی از استعاره، در نظام‌های مفهومی انسان یافت شود نه در زبان او؛ این دیدگاه دستاورد مطالعاتی است که ریشه و اساس استعاره طیف متنوعی از پدیده‌ها و سازه‌ها را بررسی کرده؛ به عنوان مثال: سازمان و عرف اجتماعی، اسطوره‌ها، رؤیاها، اشاره‌ها، اخلاق، سیاست و سیاست خارجی، تبلیغات و نظریه ریاضی (۳۰۳).

بر این اساس استعاره با شناخت و تفکر ما ارتباط دارد و همچون یک حس در درک تجربه به ما کمک می‌کند. نقش استعاره در تفکر، درک، استدلال و حتی ایجاد واقعیت اجتماعی، فرهنگی و روان‌شناختی ما کلیدی است (Kövecses/ xiii-xii). دنیا به عنوان یک مفهوم انتزاعی دربرگیرنده مفاهیم، احساسات و انگیزه‌ها است که به‌طور عینی قابل لمس

نیستند. درک چنین دنیایی از طریق استعاره‌های شناختی ممکن است و از انطباق و فرافکنی حوزه‌های محسوس بر این حوزه انتزاعی میسر می‌گردد.

بر این اساس، پژوهش حاضر به بررسی و تحلیل مفهوم‌سازی‌های "دنیا" در زبان نهج البلاغه که براساس حوزه مبدا "خانه" انجام شده می‌پردازد تا ببیند چه عناصر و ویژگی‌هایی از "خانه" بر "دنیا" فرافکنی شده و در نتیجه چه درکی از "دنیا" برای انسان حاصل می‌شود.

۳. خانه انگاری دنیا در نهج البلاغه

برخلاف مکتب‌های مادی‌نگر که دنیا را جایگاه اصلی استقرار انسان می‌دانند و از آخرت غافلند، در فرهنگ توحیدی، دنیا یک خانه گذرا، پل، مزرعه، بازار، تجارت‌خانه، دریا، چراگاه،... و مقدمه‌ای برای جایگاه اصلی و ابدی انسان (سرای آخرت) است. امیرالمؤمنین امام علی (ع) نیز در خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های متعددی از نهج البلاغه، حوزه انتزاعی «دنیا» را در قالب مفهوم محسوس و تجربی «خانه» صورت‌بندی کرده‌اند. ایشان در این مفهوم‌سازی‌ها ویژگی‌ها و عناصری از حوزه مبدا را به خدمت گرفته است که جالب و قابل تأمل است:

۳-۱. دنیا به مثابه منزلگاه موقت و فناپذیر

الف) وَأَحْذَرُكُمْ الدُّنْيَا فَإِنَّهَا مَنْزِلٌ قُلْعَةٌ وَلَيْسَتْ بِدَارٍ نَجْعَةٍ دَارُ هَانَتْ عَلَى رَبِّهَا؛ فَمَا خَيْرُ دَارٍ تَنْقُضُ نَقْضَ الْبِنَاءِ؟ (خطبه، ۱۱۲): شما را از دنیا بر حذر می‌دارم؛ چرا که منزلگاهی است برای کوچیدن؛ نه سرایی برای سکنی‌گزیدن؛ خانه‌ایست که نزد پروردگارش بی‌مقدار است. پس، خانه‌ای که همچون ساختمان فرو می‌ریزد و از بین می‌رود چه خیری دارد؟ "قُلْعَةٌ" یعنی دگرگونی، کوچ‌کردن، عاریه؛ "مَنْزِلٌ قُلْعَةٌ" یعنی محلی که انسان هر لحظه باید (آماده) برخاستن و کوچ‌کردن از آن باشد (ابن منظور / ۲ / ماده قلع).

ب) وَأَنْتَ فِي مَنْزِلِ قُلْعَةٍ وَدَارِ بُلْعَةٍ وَطَرِيقٍ إِلَى الْآخِرَةِ (نامه ۳۱).

تو (ای پسرکم!) در منزلگاه موقتی هستی که هر لحظه باید آماده کوچیدن از آن باشی؛ سرائی که باید از آن به میزان کفایت معیشت برداری و در راهی به سوی آخرت می‌باشی. (پ) ... وَأَحْذَرُكُمْ الدُّنْيَا فَإِنَّهَا دَارُ شُحُوصٍ (خطبه ۱۸۷).

شما را از دنیا برحذر می‌دارم؛ زیرا سرائی است که باید از آن کوچید «شَخَصَ مِنْ بَلَدٍ إِلَى بَلَدٍ شُحُوصًا: ذَهَبَ... وَنَحْنُ عَلَى سَفَرٍ قَدْ أَشْخَصْنَا، أَيْ حَانَ شُحُوصُنَا» (جوهری / ماده شخص). (ت) فَازْمِعُوا عِبَادَ اللَّهِ الرَّحِيلَ عَنْ هَذِهِ الدَّارِ الْمَقْدُورِ عَلَى أَهْلِهَا الزَّوَالُ (خطبه ۵۲):

بندگان خدا! از این خانه که نیستی بر اهل آن نوشته شده، عزم کوچیدن کنید.

(ث) الدُّنْيَا دَارٌ مُنَى لَهَا الْفَنَاءُ وَلِأَهْلِهَا مِنْهَا الْجَلَاءُ فَارْتَحِلُوا مِنْهَا بِأَحْسَنِ مَا بِحَضْرَتِكُمْ وَلَاتَسْأَلُوا فِيهَا فَوْقَ الْكِفَافِ (خطبه ۴۵):

دنیا سرائی است که فنا و نیستی برای آن و رخت بر بستن از آن (دل نباختن به آن) برای اهلش مقدر شده؛ پس از آن با بهترین توشه کوچ کنید و بیش از نیاز خود از آن نخواهید (نطلبید).

(ج) وَلِيَتَزَوَّدَ مِنْ دَارٍ ظَعْنِهِ إِلَى دَارٍ إِقَامَتِهِ (خطبه ۸۵):

(هر انسانی) باید از خانه کوچ‌کردنش (دنیا) برای سرای اقامتش (آخرت) توشه بردارد.

منزلگاه موقت نابودشدنی ← دنیا

تناظرهای میان منزلگاه موقت نابودشدنی با دنیا به شرح زیر است:

۱. سکونت موقت ← فضا و زمان ناپایدار
۲. تعلق خاطر اندک و مقطعی ← تعلق خاطر سطحی
۳. آمادگی در هر لحظه برای خروج ← آمادگی همیشگی برای مرگ و انتقال به عالم دیگر
۴. احساس بی‌قراری و آماده‌باش ← احساس بی‌ثباتی اوضاع، امکانات و فرصت‌ها
۵. نابودشدنی ← از بین رفتنی

بدیهی است که انسان منزلگاه موقتی را که روزی نابود می‌شود، هرچند بزرگ و مجهز به انواع وسایل و امکانات باشد، خانه خود به‌شمار نمی‌آورد؛ خود را در آن مستقر

نمی‌بیند؛ به آن دل نمی‌بندد؛ همواره بی‌قرار و آماده رفتن است و هنگام کوچ، بار و بنه و زاد و توشه‌ای که برای رسیدن به مقصد نیاز دارد با خود برمی‌دارد.

دنیا هم به مثابه منزلگاه موقتی است که هر لحظه باید منتظر شنیدن بانگ "کوچیدن" بود. این سرا همیشگی نیست و مدت زندگی در آن محدود است. فرصت‌ها، زرق و برق‌ها و اوضاع و احوال سرای دنیا نیز محدود و بی‌ثبات است، بنابراین، غفلت از هدف آفرینش و ادای وظایف، غفلت از مرگ، دلبستگی به سرای دنیا و شیفته و فریفته زرق و برق فریبا و ناپایدار آن شدن، خطایی بس بزرگ و جبران‌ناپذیر است که به خسران انسان می‌انجامد. نکات مهم استعاره شناختی "دنیا به مثابه منزلگاه موقت نابود شدنی":

● در نگاه توحیدی، عنایت خدا به سرای دنیا نه به خاطر خود، بلکه به خاطر گذرگاه بودن آن به سوی خانه آخرت است (هاشمی خوئی، ۴۳/۸؛ موسوی، ۲۸۱/۲)؛ بنابراین در این سرا نباید به دنبال خور و خواب و غوطه‌ور شدن در لذت‌ها و زندگی حیوانی بود، بلکه باید از آن برای عمل و آبادکردن سرای آخرت استفاده کرد؛ مقصود از کانون استعاری "لَيْسَتْ بِدَارِ نَجْعَةٍ" در کلام امیرالمؤمنین (ع) نیز همین است (مغنیه، ۱۷۸/۲).

● در نگاه توحیدی، انسان با مرگ نابود نمی‌شود بلکه از خانه‌ای به خانه دیگر منتقل می‌گردد؛ مرگ وجود دنیوی را از تن آدمی برمی‌کند و وجود اخروی را بر او می‌پوشاند؛ مقصود از "الرَّحِيلَ" در کلام امام علی (ع) (بندت)، همین است. این انتقال از خانه دنیا به خانه آخرت به امر الهی و مقدر همه انسان‌ها است: «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ» (العنکبوت، ۵۷)؛ همان‌طور که مبدا اوست، مقصد هم اوست: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (البقرة، ۱۵۶). پس حال که مرگ سرنوشت مقدر همه انسان‌هاست و از آنجا که خانه دنیا آلودگی‌ها و آفات بسیار دارد، انسان موحد باید پیش از فرارسیدن مرگش بمیرد؛ یعنی باید "عزم" خود را برای پرهیز از آلودگی به آفات این خانه با عمل پیوسته برای خانه آخرت نشان‌دهد. به همین دلیل امیرالمؤمنین از فعل امر "أَزْمِعُوا" (بندت) استفاده کرده‌اند تا نشان دهند تفاوت میان "مرگ محتوم" با "مرگ ارادی" از زمین تا آسمان است (ابن میثم، مصباح‌السالكين، ۱۶۰).

● انسان در جا به جایی از خانه دنیا به خانه آخرت باید با خود توشه همراه ببرد «وَلْيَتَزَوَّدْ مِنْ دَارِ ظَعْنِهِ إِلَى دَارِ إِقَامَتِهِ». این توشه باید بهترین چیزی که در توان و اختیار اوست باشد «فَارْتَحِلُوا مِنْهَا بِأَحْسَنِ مَا بَحَضَرْتُمْ». امام علی(ع) انسان را به تلاش برای انجام بهترین کارهایی که در توان دارد تشویق می‌کند. از سوی دیگر می‌توان گفت نظر به اینکه نهج‌البلاغه "برادر قرآن" کریم است، مقصود از بهترین توشه‌ای که انسان می‌تواند از خانه دنیا با خود به سرای آخرت ببرد تقوا است: «وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى» (البقرة، ۱۹۷).

"زاد" یعنی: اندوخته‌ای افزون بر آنچه انسان اکنون به آن نیاز دارد (نقوی قائنی، ۴۷۷/۶)؛ پس عمل برای سرای آخرت باید بیش از عمل در سرای دنیا برای رفع نیازهای انسان باشد.

● "جلاء" (بند ث) برای خروج از خانه و وطن انسان به‌کار می‌رود که بازگشت به آن و سکونت دوباره در آن دشوار است. از آنجاکه غالب انسان‌ها نه تنها به موقت بودن و زوال‌پذیری دنیا توجه نمی‌کنند، بلکه آن را خانه ابدی خود می‌پندارند، به آن دل‌بسته و در لذت‌های آن غوطه‌ور می‌شوند و پیوند عمیقی میان خود و این خانه احساس می‌کنند، در نتیجه خروج از آن برایشان بسی سخت و ناممکن است، امام علی(ع) با دقت و ظرافت ستودنی، از واژه "جلاء" برای خروج اهل دنیا از آن استفاده کرده‌اند؛ با این تفاوت که بازگشت به دنیا ناممکن است. پس، این واژه برای مؤمنان پرهیزکار به‌کار نمی‌رود (همان، ۴۷۱-۴۷۲).

● "کفاف" به مقدار کفایت روزی (خوراک، پوشاک و ضروریات زندگی) اطلاق می‌شود که انسان را از دیگران بی‌نیاز می‌سازد. امیرالمؤمنین (ع) با به‌کاربردن این واژه «وَلَا تَسْأَلُوا فِيهَا فَوْقَ الْكِفَافِ» انسان‌ها را از اهتمام بیش از اندازه به جسم که مرکب روح است، نهی می‌فرماید؛ زیرا آنچه شایسته توجه همیشگی و عمیق انسان در خانه دنیا است، رشد معنوی اوست که با تقوا و عمل صالح به‌دست می‌آید؛ اما اگر بدن بیش از نیازش پروار شود، سنگین می‌گردد و انسان را از انجام اعمال صالح و رسیدن به تعالی مورد نظر

بازمی‌دارد (ابن میثم، شرح نهج البلاغه، ۲/۱۲۰-۱۲۱ و شوشتری، ۱۱/۳۹۰).

۲-۳. دنیا به مثابه خانه‌ای با بلا پیچیده شده

از آنجا که نام نگاشت‌ها معمولا طولانی نیستند، از ذکر همه ویژگی‌هایی که از کانون‌های استعاره‌ی زیر به‌دست می‌آید، در نام‌نگاشت گفته‌شده خودداری شد. این ویژگی‌ها عبارتند از: بی‌وفایی، مشقت، دگرگونی احوال، سرای عبرت گرفتن و نیستی و باید از این خانه کوچ کرد:

چ) دَارُ بِالْبَلَاءِ مَحْفُوفَةٌ وَبِالْعَدْرِ مَعْرُوفَةٌ، لَاتَدْرُومُ أَحْوَالَهَا وَلَا يَسْلَمُ نَزْلُهَا؛ أَحْوَالٌ مُخْتَلِفَةٌ وَتَارَاتٌ مُتَصَرِّفَةٌ (خطبه ۲۱۷):

دنیا با بلا پیچیده شده و به بی‌وفایی مشهور است؛ حالاتش دوام ندارد و ساکنانش (از آفت‌ها) سالم (و در امان) نیستند؛ حالات آن گوناگون و زمان‌هایش (اوضاعش) دگرگون شونده‌اند.

ح) إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ فَنَاءٍ وَعَنَاءٍ وَغَيْرٍ وَغَيْرٍ (خطبه ۱۱۳): دنیا سرای نیستی، مشقت، دگرگونی احوال و عبرت‌ها است.

خ) عَجِبْتُ لِعَامِرٍ دَارِ الْفَنَاءِ وَتَارِكِ دَارِ الْبَقَاءِ (حکمت ۱۲۱):

از کسی که خانه نیستی را آباد و خانه بقاء را رها می‌کند در شگفتم.

خانه‌ای با ویژگی‌هایی مثل بلا پیچیده شده ← دنیا

- | | | |
|-------------------------------|---|----------------------------|
| ۱. ساختاری شکننده و آسیب‌پذیر | ← | ناپایداری و عدم امنیت |
| ۲. سرشار از رنج و مشقت | ← | سرشار از رنج و مشقت |
| ۳. آکنده از خیانت و نیرنگ | ← | مالامال از بی‌وفایی و فریب |
| ۴. دگرگونی‌های مداوم | ← | عدم ثبات و تغییرات پیوسته |
| ۵. مکان عبرت گرفتن | ← | سرای درس‌ها و تجربه‌ها |
| ۶. نمادی از نیستی | ← | فانی بودن |

"مَحْفُوفَةٌ" به معنای پیچیده شده، کنایه است از احاطه و فراگیری همه جانبه. خانه‌ای که با انواع گرفتاری و بلاها احاطه شده، برخلاف یک خانه امن و پایدار، ساختاری شکننده و آسیب‌پذیر دارد و هر لحظه ممکن است تخریب شود. اما همین خانه می‌تواند با ظاهری فریبنده احساس امنیت کاذب در بیننده ایجاد کند. سکونت در چنین خانه‌ای رنج و مشقت فراوان به دنبال خواهد داشت و آرامش و آسودگی را از ساکنان خواهد ربود. علاوه بر شکنندگی ساختار، خیانت ساکنان این خانه به یکدیگر نیز باعث رنج و درد می‌شود؛ زیرا اعتماد میان ایشان را می‌شکند و امنیت روانی‌شان را از بین می‌برد. وضعیت این خانه همواره در حال تغییر است. ممکن است لحظه‌ای آرام به نظر برسد، اما ناگهان با بلا و مصیبت یا اختلاف و جنگ میان اعضاء مواجه گردد. چنین خانه‌ای مکانی برای عبرت گرفتن و آموختن از تجربیات است. هر بلا و مشقتی درسی برای ساکنان دارد؛ در نهایت، این خانه موقت نابود می‌شود.

سرای دنیا نیز در لابه‌لای گرفتاری پیچیده شده و انواع فراوان بلاها و گرفتاری‌ها آن را از هر جهت در بر گرفته: بیماری‌های جسمی و روحی، اتفاقات ناگوار فردی و اجتماعی، حوادث و بلایای طبیعی، جنگ‌ها، غارت‌ها، حوادثی که مرگ افراد یا مجروح شدن ایشان را به همراه دارد؛ ازدست دادن عزیزان، ورشکستگی و...؛ خانه دنیا به بی‌وفایی و دغل شهره است؛ به انسان روی می‌آورد، وقتی به آن خو گرفت و پنداشت همواره با او سازگار و بر وفق مرادش است، تغییر حال داده، به وی پشت می‌کند؛ انسان سالم و سرحال با پیش‌آمدی ناگهان سلامتی خود را ازدست می‌دهد؛ در اثر حادثه‌ای دارایی و ثروت فراوانش از بین می‌رود؛ ناگهان ورشکسته و به نان شب محتاج می‌شود و یک‌شبه از اریکه قدرت به زیر می‌افتد و خوشی‌هایش به ناخوشی مبدل می‌گردد؛ در نتیجه بلاها و حوادث گوناگون، احوال سرای دنیا یکدست نیست و ساکنانش در امان نیستند: "از نسیمی دفتر ایام برهم می‌خورد" و با یک چرخش چرخ نیلوفری، نه آن انسان قدرتمند و ثروتمند باقی می‌ماند و نه دبدبه و کبکبه‌اش. حالات این سرا ناپایدار و زمان‌هایش دگرگون است و

سرانجام روزی نابود می‌شود (ابن میثم، ۱۴۰۴، ۹۱/۴؛ هاشمی خویی، ۳۲۳/۱۴-۳۲۵؛ مکارم شیرازی، ۴۳۷/۸-۴۳۸).

۳-۳. دنیا به مثابه خانه‌ای با آغاز رنج و پایان نیستی

(د) مَا أَصِفُ مِنْ دَارٍ أَوَّلُهَا عَنَاءٌ وَآخِرُهَا فَنَاءٌ ... (خطبه ۸۱):

چه توصیفی ارائه دهم از سرایی که آغاز آن رنج و ناخوشی و پایانش نیستی است؟

مبدأ: خانه‌ای که آغاز آن رنج و پایان آن نیستی است	مقصد: دنیا
ساخت / خرید خانه	زندگی در دنیا
نایاب‌داری	بی‌ثباتی
فرآیند تدریجی از آغاز تا پایان	فرآیند تدریجی تغییرات
نابودی	فناپذیری

ساخت خانه مرحله‌ای دارد: انتخاب زمین مناسب برای ساخت، دریافت مجوز از مراجع مربوط، خرید مصالح و تجهیزات، نقشه‌کشی، گودبرداری، بتون‌ریزی، قالب‌بندی، اسکلت‌زدن، دیوارچینی و... که هر مرحله با صرف وقت، رنج و سختی همراه است؛ خرید خانه نیز راحت نیست و سختی و رنج به همراه دارد: خریدار باید به بنگاه‌های املاک مختلفی مراجعه کند؛ شرایط مالی و نیاز خود را توضیح دهد؛ با صرف وقت و هزینه، به خانه‌های پیشنهادی برود و آنها را یکی یکی با دقت بررسی نماید؛ با فروشنده مبیعه نامه تنظیم کند؛ پس از تحویل گرفتن خانه به منظور تنظیم سند رسمی، همراه با فروشنده در دفترخانه اسناد رسمی حضور یابد و پس از پایان این مراحل، برای تهیه تجهیزات منزل نو و یا تعمیر و تغییر آن اقدام نماید. شرایط فیزیکی خانه‌ای که انسان با تحمل سختی‌ها و رنج‌ها می‌سازد/ می‌خرد، پایدار نیست و با گذشت زمان فرسوده می‌شود. تعمیر و بازسازی خانه فرسوده نیز خود رنج دیگری است. علاوه بر رنج‌ها و سختی‌های گفته‌شده، زندگی در خانه چالش‌های متعددی دارد که هر یک منشأ رنج و درد انسان است. در پایان هم خانه تخریب می‌شود و از بین

می‌رود و با این نابودی، زندگی انسان در آن پایان می‌یابد.

خانه دنیا نیز پر از رنج و سختی است. این رنج شامل بی‌عدالتی‌ها، فقر، بیماری، ستیزه، جنگ، مرگ عزیزان، ناامیدی و چالش‌های گوناگون است که با زندگی فردی و جمعی انسان عجین شده. این خانه در حال تغییرات دائمی است و هیچ چیز در آن ثابت و پایدار نیست. گذر زمان، پیوسته باعث تغییرات در ساختارهای مادی و اجتماعی این خانه می‌شود و سرانجام نابود می‌گردد. زندگی انسان در این خانه نیز سراسر آمیخته با سختی و دردسر است؛ سرآغاز آن (تولد) هم برای مادر و هم طفل درد و رنج عظیمی دارد؛ مادر درد و رنج فراوان زایمان را تجربه می‌کند؛ طفل نیز از یک محیط بسته که به آن خو گرفته بود، به فضایی باز، ناآشنا و بسیار متفاوت پامی‌گذارد. در دوران شیرخوارگی چنان ضعیف و ناتوان است که حتی نمی‌تواند آب دهانش را نگه‌دارد؛ هوا او را اذیت می‌کند؛ گرما آزارش می‌دهد؛ سرما بیمارش می‌کند و اگر با دقت از او پرستاری نشود، هر لحظه خطری تهدیدش می‌کند. این دوران را با تمام سختی‌هایش پشت سر می‌گذارد و با رنج و سختی از شیر مادر که شیره جان او شده‌بود، جدا می‌گردد؛ در حالی که هیچ تجربه‌ای از زندگی ندارد و خطرات بزرگی او را تهدید می‌کند، کم‌کم به راه می‌افتد و مراحل عمر را یکی پس از دیگری پشت سر می‌گذارد، در حالی که هر مرحله‌ای سختی‌های ویژه خود را دارد. وقتی به بلوغ کافی برای تشکیل زندگی مشترک رسید، با مشقت‌های جدیدی روبه‌رو می‌شود؛ پیداکردن همسر مناسب، ساختن آینده، تلاش برای کسب روزی حلال، تامین نیازهای همسر و فرزندان و... در این مسیر با محرومیت‌ها، ستم‌ها و آفت‌های متعددی مواجه می‌شود که او را غمگین و نالان، خسته و حتی ناامید می‌کند، با این وجود باید به زندگی ادامه دهد. دوران کهنسالی هم که دوران ازکفر رفتن توان و نیرو و روی آوردن ضعف و بیماری‌هاست. پایان این خانه نیز مرگ و رفتن است: «كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ وَيَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ» (الرحمن، ۲۶).

۳-۴. دنیا به مثابه خانه امتحان

ذ) فَأَحْصَاكُمْ عَدَدًا وَوَضَعَ لَكُمْ مِدَّةً فِي قَرَارِ خَيْرَةٍ وَذَارَ عِبْرَةً أَنْتُمْ مُخْتَبِرُونَ فِيهَا وَ مُحَاسِبُونَ عَلَيْهَا (خطبه ۸۲): خدا در جایگاه آزمایش و عبرت (دنیا) که در آن آزموده می‌شوید و مورد محاسبه قرار می‌گیرید، یکایک شما را برشمرد و برایتان مدت زمانی مقدر ساخت.

خانه امتحان ← دنیا

۱. محدودیت‌های مکانی ← محدودیت‌های مکانی، زمانی، فردی، اجتماعی
 ۲. درها ← فرصت‌ها و انتخاب‌ها
 ۳. اتاق‌ها ← ابعاد گوناگون زندگی
 ۴. وسایل و امکانات ← نعمت‌های مادی و معنوی الهی
 ۵. روابط اعضا ← روابط مختلف اجتماعی
 ۶. مکان دریافت پاداش و مجازات اعضا از یکدیگر ← مکان پاداش و مجازات الهی
- سطح، سقف، دیوارها، درها، پنجره‌ها و اتاق‌ها اجزای تشکیل دهنده خانه هستند. دیوارها محدودیت‌های مکانی و فیزیکی را نشان می‌دهند؛ ما نمی‌توانیم به راحتی وارد خانه و از آن خارج شویم. در دنیا به مثابه خانه امتحان نیز محدودیت‌های مکانی، زمانی فردی و اجتماعی به‌سان دیوارهایی هستند که انسان را در چهارچوب مشخصی قرار می‌دهند و زمینه امتحان او را فراهم می‌کنند. درها راه‌های ورود و خروج خانه و انتخاب‌های محدود درون آن را نشان می‌دهند: هر دری به یک مکان خاص باز می‌شود. فرصت‌ها و انتخاب‌های گوناگون زندگی مانند: رشته تحصیلی، شغل، همسر، دوست و اعمال نیک و بد در زندگی در سرای دنیا هم به مثابه درها هستند. هر انتخابی، انسان را به یک مسیر خاص و رسیدن به نتایج متفاوت در زندگی هدایت می‌کند و فرصت مناسبی برای آزمایش او به‌شمار می‌رود؛ عملکرد انسان در این امتحانات بر زندگی اخرویش تاثیر می‌گذارد. اتاق‌های مختلف خانه با کاربری‌های متفاوت (نشیمن، پذیرایی، اتاق خواب، آشپزخانه) نشان‌دهنده جنبه‌های مختلف زندگی در خانه است. ابعاد مختلف زندگی (خانواده، کار، اجتماع، عبادت) مانند اتاق‌های مختلف هستند. هر بعد، با چالش‌ها،

فرصت‌ها و قوانین مخصوص به خود زمینه امتحان در یک زمینه مشخص است. مبلمان، وسایل و لوازم خانه امکاناتی هستند که در زندگی مورد استفاده قرار می‌گیرند؛ چگونگی استفاده و مراقبت از آنها محکی برای بروز شخصیت اعضای خانه است. نعمت‌های مادی و معنوی الهی به مثابه ابزار و امکاناتی هستند که به انسان اعطاء شده تا در زندگی در خانه دنیا مورد استفاده قرار دهد. استفاده صحیح یا غلط از این نعمت‌ها، فرصت دیگری برای آزمودن وی است و بر نتایج تأثیر می‌گذارد. هر خانه ساکنانی دارد که با یکدیگر در ارتباطند؛ این ارتباطات ابزاری برای سنجش افراد است تا روشن شود هر یک از ایشان در شرایط مختلف چگونه با دیگران برخورد می‌کند. در سرای دنیا نیز روابط مختلف اجتماعی (با اعضای خانواده، همسایگان، دوستان، همکاران، دشمنان و دیگران) میان ساکنان برقرار است. وجود این روابط خود زمینه‌ای برای آزمایش هر فرد است؛ شیوه برخورد و مدیریت آنها، بر نتیجه آزمون افراد در زندگی دنیوی و اخروی مؤثر است. خانه، مکانی برای دریافت پاداش یا مجازات است؛ اعضای یک خانه در زندگی خانوادگی به خاطر اعمال خوب یا بد خود هم از یکدیگر و هم از پروردگار پاداش یا مجازات دریافت می‌کنند. سرای دنیا نیز سرشار از پاداش‌ها و مجازات‌های انسانی و الهی است.

در دیدگاه توحیدی، خانه دنیا قرارگاه آزمایش انسان از طریق نعمت و نعمت است تا ایمان او از کفرش، فرمانبرداری و نافرمانی‌اش از پروردگار، اخلاصش از ریا و نفاق و تواضعش از تکبرش آشکار گردد. آزمایش، سنت قطعی الهی است: «الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» (الملک، ۲) و «أَحْسِبِ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ - وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ» (العنکبوت، ۲-۳) و «... وَجَعَلْنَا بَعْضَكُمْ لِبَعْضٍ فِتْنَةً أَتَصْبِرُونَ...» (الفرقان، ۲۰).

۳-۵. دنیا به مثابه خانه‌ای دست به دست شونده

(ر) وَأَنَّ الدُّنْيَا دَارُ دُولٍ (نامه ۷۲).

مبدأ: خانه‌ای دست به دست شونده	مقصد: دنیا
مالکیت موقت	زرق و برق‌ها، امکانات و موقعیت‌های موقت
تغییر و تحول فضا و درون با تغییر مالک	تغییر و تحول پیوسته امور
تغییر و تحول روابط افراد مرتبط با تغییر مالک	تغییر و تحول روابط اجتماعی با تغییر اوضاع و موقعیت‌ها
ناپایداری وضعیت خانه	بی‌ثباتی اوضاع و شرایط
ارزش مادی متغیر	ارزش متغیر مادیات و غیر آن

هیچ‌کس مالک همیشگی یک خانه نیست. هر مالک فقط برای مدتی از آن استفاده می‌کند و سپس با مرگ او این مالکیت به دیگری منتقل می‌شود. زرق و برق‌های دنیا (منصب، شهرت، قدرت، دارایی و...) نیز دائمی نیستند؛ مدتی در اختیار افرادی قرار می‌گیرند و سپس به دیگران می‌رسند. با تغییر هر مالک، تغییراتی در خانه ایجاد می‌شود؛ دکوراسیون، تعمیرات و حتی استفاده از فضاها تغییر می‌کنند. این امر نشان دهنده پویایی و دگرگونی پیوسته‌ای است که در خانه اتفاق می‌افتد. دنیا نیز پیوسته در حال تغییر و تحول است؛ افکار، فرهنگ‌ها، تکنولوژی‌ها، سیستم‌ها و حتی محیط زیست به‌طور مداوم تغییر می‌کنند. با تغییر هر مالک، روابط اجتماعی مرتبط با خانه نیز تغییر می‌کنند؛ بستگان، دوستان و آشنایان مرتبط با هر مالک، متفاوت خواهند بود. در دنیا نیز روابط انسانی پویا و متغیر هستند؛ دوستان، همکاران و مسئولان با تغییر اوضاع و موقعیت‌ها تغییر می‌کنند. شرایط فیزیکی خانه به‌طور مداوم در معرض تغییر و تحول است و هیچ تضمینی برای ثبات و پایداری آن وجود ندارد؛ علاوه بر این، خود خانه هم سرنوشت مشخص و ثابتی ندارد؛ ممکن است در آینده فروخته یا تخریب شود، یا تغییر کاربری دهد. در دنیا هم هیچ چیز پایدار نیست؛ ثروت، قدرت، شهرت، سلامتی، جوانی، زیبایی و حتی روابط انسانی تغییر می‌کنند و از دست می‌روند. خانه دنیا روزی به دست این است و روزی به دست آن؛ روزی به سود این است و روز دیگر به سود آن؛ روزی دون‌مایه زیردست پادشاه می‌شود و روزی دیگر پادشاه از عرش پادشاهی به‌زیر می‌آید.

ارزش خانه بسته به مساحت، امکانات، موقعیت جغرافیایی، سنددار بودن و شرایط روز بازار تغییر می‌کند. ارزش‌های دنیا نیز نسبی و متغیر هستند؛ آنچه در یک زمان ارزشمند است، ممکن است در زمان دیگر بی‌ارزش باشد.

۳-۶. دنیا به مثابه خانه گرفتن و هلاکت

ز) دَارُ حَرْبٍ، وَسَلَبٍ، وَتَهَبٍ، وَعَطَبٍ (خطبه ۲۳۳).
حَرْبُهُ يَحْرُبُهُ حَرْبًا، مَثَلٌ طَلَبُهُ يَطْلُبُهُ طَلَبًا، مال او را گرفت و بی هیچ چیز رهايش کرد، وقد حَرْبَ مَالَهُ، آى: سلبه، فهو محروب و حريب يعنى گاهى حَرْبَ وَسَلَبَ مترادف هستند (جوهرى / ماده حرب)؛ در خطبه ۲۳۳ نهج البلاغه نیز آمده: (أَمْوَالُهَا مَحْرُوبَةٌ وَأَعْلَاقُهَا مَسْلُوبَةٌ).
«النَّهْبُ: الْغَارَةُ» (ابن منظور / ۴ / ماده نهب). الْعَطَبُ: الْهَلَاكُ، در مورد مردم و غير از ايشان به كار مى‌رود (همان / ۳ / ماده عطب).
براساس معنى واژگان، و كلام امام على (ع) "گرفتن" شامل به‌زور گرفتن و غارت كردن است، اما به دليل رعايت اختصار، نام نگاشت کوتاه بيان شد.

مبدأ: خانه گرفتن و هلاکت	مقصد: دنیا
فرسایش طبیعی تدریجی در گذر زمان	فرسایش تدریجی در نتیجه عوامل طبیعی
استهلاک تجهیزات و لوازم	فرسایش منابع طبیعی
مورد سرقت و خرابکاری عمدی قرار گرفتن	محل جنگ، درگیری، سرقت منابع عمومی
غارت دارایی به علت هزینه‌های تعمیر و نگهداری	غارت دارایی در اثر بلایای طبیعی (زلزله، سونامی، طوفان، خشکسالی)
غارت روانی ساکنان	غارت دارایی‌های غیر مادی انسان (سلامتی، جوانی، نشاط، توانایی، هستی و ...)
نابودی تدریجی یا یکباره در نتیجه عوامل طبیعی،	تباهی در اثر عوامل طبیعی و غیر طبیعی
تخریب عمدی و غارت	

خانه در گذر زمان، به تدریج و به طور طبیعی در اثر آب و هوا و تغییرات آن، باد، باران، برف، تغییرات دما، رطوبت، استهلاک مصالح و تجهیزات و عدم مراقبت و نگهداری مناسب

ساکنان، فرسوده می‌شود. این امر دارایی‌های مادی ساکنان را از بین می‌برد یا ارزش آن‌ها را کاهش می‌دهد. به عنوان مثال، نشت لوله‌ها باعث رطوبت دیوارها و ریزش آنها می‌شود؛ این ریزش، نابودی و یا آسیب دیدگی لوازم منزل را به دنبال دارد که از مصداق‌های "گرفتن" (دارایی‌های انسان) است. دنیا نیز با گذشت زمان، با تغییرات آب و هوا، تغییرات اقلیمی و زیستی، آلودگی، حوادث طبیعی و مانند آن تخریب می‌گردد. منابع طبیعی آن هم فرسوده می‌شود و از بین می‌رود. این امر بر زندگی و معیشت انسان‌ها تأثیر منفی می‌گذارد.

تخریب عمدی خانه که به دلایل مختلف از جمله درگیری‌های شخصی اتفاق می‌افتد، به همراه دزدی اموال آن، نمونه‌ای از "گرفتن با زور" دارایی‌های انسان است. در دنیا هم جنگ‌ها و درگیری‌های مسلحانه، سرقت منابع عمومی، تبعیض، نژادپرستی و جنسیت‌گرایی، جان و مال انسان‌ها را "به زور می‌گیرند".

در خصوص چگونگی غارت انسان توسط خانه و دنیا می‌توان گفت: فرسودگی خانه، نیاز آن به تعمیر و نگهداری مداوم را پدید می‌آورد. این هزینه‌های نگهداری، به نوعی، دارایی‌های مالی انسان را به خود اختصاص می‌دهد. حوادث طبیعی غیر قابل پیش‌بینی نیز یکباره و ناگهانی خانه و دارایی‌های انسان را نابود می‌کنند. همچنین پرداخت وام مسکن، مالیات املاک و هزینه‌های آب، برق، گاز و تلفن خانه، از جمله مواردی هستند که به صورت تدریجی و مستمر مال و دارایی انسان را "غارت" می‌کنند. نامناسب، تنگ یا ناامن بودن خانه که می‌تواند بر سلامت روانی ساکنان تأثیر منفی گذارد، نمونه دیگری از غارت انسان به دست خانه است.

غارت سلامتی، جوانی، توان، هستی، ایده و آثار انسان و ...، غارت‌های طبیعی غیر مادی است که زندگی در دنیا به وجود می‌آورد. سوء مدیریت و فساد در حکومت‌ها و سازمان‌ها، سیستم‌های اقتصادی نابرابر و استثمارگر که باعث تجمع ثروت در دست اقلیت و فقر، بیکاری، تورم و محرومیت اکثریت می‌گردند، همچنین مصادره دارایی‌های شهروندان و نقض حقوق ایشان توسط دولت‌های مستبد، از مصادیق دیگر "غارت" انسان‌ها

به صورت سیستماتیک در دنیا است.

خانه به طور تدریجی یا یکباره از بین می‌رود؛ دنیا نیز در نتیجه عوامل مختلفی مانند عوامل طبیعی، جنگ، غارت، و مانند آن در حال نابود شدن است. از بین رفتن ارزش‌های اخلاقی و معنوی، گونه دیگری از این تباهی است. دست دنیا در "گرفتن" سریع‌تر از "دادن" است؛ با این دست نداده، با آن دست بازمی‌ستانند؛ از امروزش ایمنی‌ای نیست و فردایش مایه ترس است (شوشتری، ۲/ ۲۴).

نتایج مقاله

۱. اهمیت استعاره شناختی، با نقش کلیدی و کارآیی بی‌نظیری که در انتقال مقصود گوینده در متون اسلامی مقدس و درک مخاطب از این متون دارد، پژوهشگران را به بررسی جامع تمام ابعاد استعاری مفاهیم انتزاعی ترغیب می‌کند. درک عمیق زبان استعاری این متون، تنها راه رسیدن به تحلیلی است که به هدف گوینده نزدیک باشد. یکی از مفاهیم انتزاعی که در نهج‌البلاغه و متون اسلامی مقدس مورد توجه قرار گرفته و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، "دنیا" است؛ زیرا شناخت و درک جامعی از آن برای انسان‌ها حیاتی است و در بقاء و پیشرفت فردی و اجتماعی ایشان نقش بسزایی دارد.

۲. در بررسی مفهوم "دنیا" در زبان نهج‌البلاغه، ویژگی‌های خاصی از "خانه" به عنوان حوزه مبدا به طور مؤثر بر حوزه مقصد (دنیا) نگاشت می‌شود که درک و عینیت بخشی به این مفهوم انتزاعی را تسهیل می‌کند. در این نگاشت، ویژگی‌هایی مانند پیچیده شدن با بلا، شهره بودن به خیانت، مشقت، دگرگونی احوال و ... انطباق یافته که در تجربیات ما کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. تناظرهای نظام مند میان مفهوم "دنیا" و مفهوم "خانه" نشان می‌دهد که دو ویژگی: "موقت بودن" و "فناپذیری" نسبت به بقیه ویژگی‌ها مورد توجه بیشتری قرار گرفته است. تحلیل نگاشت‌های استعاره شناختی "خانه" در نهج‌البلاغه بیانگر آن است که این استعاره در انتقال آموزه‌ها، هدایت مخاطب و ارائه دلیلی قاطع برای همگان

به‌ویژه در آموزه‌های تربیتی و هدایتی، نقش مؤثری دارد.

۳. از نتایج کاربردی پژوهش حاضر آن است که با شناسایی تناظرهای نظام‌مند میان مفهوم مجرد و پیچیده "دنیا" و مفهوم عینی و روشن "خانه" حقایق ملموس متعددی از دنیا و زندگی دنیوی کشف می‌شود و راه برای ورود هر چه بیشتر به لایه‌های منسجم معنایی نهج‌البلاغه هموار می‌گردد. تداعی مفهوم انتزاعی "دنیا" در ساختار "خانه"‌ای ناپایدار، فناپذیر، غارت‌گر و دست به دست شونده که با بلا پیچیده شده و به خیانت و دگرگونی احوال شهره است، به انسان یادآوری می‌کند که دنیای مادی برخلاف تصور رایج، محیطی ناپایدار و فناپذیر است. هیچ چیز در آن همیشگی نیست و آنچه امروز هست، ممکن است فردا نباشد. این آگاهی می‌تواند به: قدرشناسی بیشتر از لحظه‌ها و فرصت‌ها و استفاده بهینه از آنها، کاهش وابستگی و دلبستگی به مادیات و امور دنیوی و تمرکز بر ارزش‌های معنوی و پایدار، آمادگی برای رویارویی با تغییرات و دگرگونی‌های ناگهانی در زندگی، تقویت روحیه مقاومت و پایداری در برابر شکست و ناامیدی، همچنین افزایش انعطاف‌پذیری، هوشیاری و احتیاط در روابط و تصمیم‌گیری‌ها بینجامد. ساختار بندی "دنیا" به مثابه "خانه امتحان" نشان می‌دهد که زندگی در دنیا فرصتی برای آزمایش و امتحان انسان است تا با انتخاب‌های خود سرنوشت اخروی‌اش را رقم بزند. این نتیجه بر اهمیت انجام اعمال صالح و پرهیز از گناه تاکید می‌کند.

۴. تحلیل خانه‌انگاری دنیا در گفتمان نهج‌البلاغه به‌طور کلی نشان می‌دهد امیرالمؤمنین(ع) بر اهمیت زندگی پس از مرگ و ضرورت آمادگی برای آن تاکید دارند و با تصویرسازی دنیا به مثابه خانه‌ای زودگذر، نابود شدنی و دیگر ویژگی‌های قابل تامل ارائه شده، تلاش کرده‌اند انسان را به تغییر در سبک زندگی، کسب معارف، نیکوکاری و توشه‌اندوزی برای زندگی ابدی سوق دهند. در مجموع، استعاره شناختی دنیا به مثابه خانه نشان می‌دهد ویژگی‌هایی از حوزه مبدا که در درجه نخست تجربیات ما قرار دارد (مانند: حریم خصوصی، محل استقرار، آرامش، دارای امنیت، کانون گرم خانواده و مانند آن) به

خدمت گرفته نشده، بلکه امیرالمؤمنین(ع) دنیا را با ویژگی‌های دیگری مفهوم‌سازی کرده‌اند که کمتر به آنها توجه و فکر می‌کنیم. همین تفاوت دیدگاه، در پندار، گفتار، رفتار و سبک زندگی ما تاثیر زیربنایی دارد و سعادت و شقاوت ما در زندگی اخروی‌مان در گرو همین تفاوت تفکر است.

۵. دسته‌بندی منسجم و دقیق کانون‌های استعاره‌ی دنیای خانه‌انگاری شده در زبان نهج‌البلاغه به دلیل تعدد عناصر سازه‌ای نگاشت‌شده از "خانه" بر "دنیا" کار دشواری بود. کشف تناظرها میان "خانه" به‌زور گیرنده و غارت‌گر با "دنیا" نیز با سختی همراه و زمان‌بر بود.



کتابشناسی

۱. قرآن کریم.
۲. ابن منظور، ابوالفضل جمال‌الدین محمد بن مکرم. لسان العرب، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۲۰۰۵.
۳. ابن میثم بحرانی، کمال‌الدین میثم بن علی. اختیار مصباح السالکین، تحقیق امینی، محمدهادی، مشهد: آستان قدس رضوی - بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۶۶ش.
۴. ابن میثم بحرانی، کمال‌الدین میثم بن علی. شرح نهج البلاغه، بی‌جا: دفتر نشر کتاب، ۱۴۰۴ق.
۵. توکل‌نیا، مریم، میرحسینی، یحیی. شناسایی و تحلیل استعاره‌های ساختاری در تبیین مفهوم امامت و جایگاه اهل‌بیت(ع) در نهج‌البلاغه، مطالعات قرآن و حدیث، ۳۳، ۸۷-۱۰۹، ۱۴۰۲ش.
۶. جلیلی، زهرا. واکاوی استعاره‌های مفهومی نهج‌البلاغه در حوزه هوای نفس، دراسات حدیثیه فی نهج البلاغه، ۱۱، ۹۵-۱۰۶، ۱۴۰۱ش.
۷. جوهری، ابونصر اسماعیل. الصحاح، محمد تامر، محمد، شامی، انس محمد و جابر احمد، زکریا (بازنگری و ویرایش)، قاهره: دار الحدیث، ۲۰۰۹.
۸. زارع، آفرین. تحلیل معنی‌شناسی شناختی دنیای مکانی‌شده در زبان نهج‌البلاغه بر اساس نظریه معاصر استعاره با تمرکز بر بنیان استعاره‌ها، پژوهش دینی، ۴۹، ۱۴۷-۱۸۰، ۱۴۰۳ش.
۹. سید رضی، ابو الحسن محمد بن حسین بن موسی. نهج البلاغه، شرح: علی نقی فیض الاسلام، تهران: انتشارات فیض الاسلام، ۱۳۷۰ش.
۱۰. شوشتری، محمدتقی. بهج الصباغة فی شرح نهج البلاغة، تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۶ش.
۱۱. علم‌محمدی، محمد، محمد علی نژاد، روح‌الله، دهقانی، فرزاد. بازکاوی استعاره‌های مفهومی لباس در قرآن و نهج‌البلاغه بر مبنای مدل لیکاف و جانسون، ذهن، ۹۳، ۱۹۷-۲۴۱، ۱۴۰۲ش.
۱۲. کدخدایی، مرضیه سادات، نجفی، علی، رسول‌نیا، امیر حسین و مدنی، امیر حسین. تبیین استعاره‌های مفهومی نهج‌البلاغه در حوزه خداشناسی، حدیث و اندیشه، ۳۵، ۲۵۵-۲۷۸، ۱۴۰۲ش.
۱۳. همانها، کاربست ساختارهای استعاره‌ای مفهوم عشق در نهج‌البلاغه بر مبنای نظریه لیکاف و جانسون، زبان‌کاوی کاربردی، ۶، ۵۳-۸۳، ۱۴۰۲ش.
۱۴. مغنیه، محمد جواد. فی ظلال نهج البلاغة، بیروت: دار العلم للملایین، ۱۳۵۸ق.
۱۵. مکارم شیرازی، ناصر. پیام امام شرح تازه و جامع بر نهج‌البلاغه، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۳۸۰ش.
۱۶. موسوی، سید عباس علی. شرح نهج البلاغة، بیروت: دار الرسول الأکرم - دار محجة البیضاء، ۱۴۱۸ق.
۱۷. نقوی قائنی، محمد تقی. مفتاح السعادة، تهران: مکتبه المصطفوی، ۱۳۸۴ش.
۱۸. هاشمی خوئی، میرزا حبیب‌الله و حسن زاده آملی، حسن و کمره‌ای، محمد باقر (۱۳۶۴ش)، منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة، تصحیح: ابراهیم میانجی، تهران: المکتبه الإسلامية، ۱۳۶۴ش.
19. Evans, Vyvyan & Green, Melanie, *Cognitive linguistics: An introduction*. London, Edinburg: Edinburg University Press, 2006.
20. Grady, James, E., Metaphor. In Geeraerts, D. and Cuyckens, H. (Ed.); *The Oxford Handbook of Cognitive Linguistics*, New York: Oxford University Press, 188- 213, 2007.
21. Kövecses, Zoltan, *Metaphor: A practical introduction*. Oxford: Oxford University Press, 2010.
22. Lakoff, George & Johnson, Mark, *Metaphors we live by*. Chicago: The University of Chicago Press, 1980.
23. Lakoff, George & Johnson, Mark, *Metaphors we live by*. London: The University of Chicago Press, 2003.
24. Lakoff, George, The contemporary theory of metaphor. In Andrew Ortony (Ed.) *Metaphor and Thought* (2nd ed.), Cambridge: Cambridge University Press, 202- 251, 1993.
25. Reddy, Michael J., The conduct metaphor: A case of frame conflict in our language. In Andrew Ortony (Ed.) *Metaphor and Thought* (2nd ed.), Cambridge: Cambridge University Press, 284- 324, 1979.

26. Ungerer, Friedrich & Schmid, Hans- Jörg, *An introduction to cognitive linguistics*. (2nd ed.), Harlow: Pearson Education Limited, 2006.
27. Zare, Afarin, The animalification of the world in Nahj al-Balaghah: The cognitive approach. *Alameed Journal*. 11, (42), 212-237, 2022a.
28. Zare, Afarin, Conceptualizing the world in the words of Imam Ali according to the theory of conceptual metaphor: An investigation of metaphors conceptualized based on comestibles. *Adab Al-Kufa Journal*. 54 (2), 532-552, 2022b.
29. Zare, Afarin, A Linguistic Analysis of the Metaphor THE WORLD IS A PLANT in the Nahj Al-Balagha Language (The Cognitive Semantics Approach). *Journal of the college of basic education for educational and human sciences*. 59, (15), 822- 832, 2023a.
30. Zare, Afarin, The role of cognitive metaphor in the formation and presentation of Imam Ali's Ideological System in Nahj al-Balagha: The analysis of the conceptual metaphors: THE WORLD IS AN INFERIOR, DETESTABLE OBJECT as examples. *Al-Adab Journal*. 147, 1-19, 2023b.

